پژوهشگر مد و لباس و مدرس دانشگاه مطرح کرد

لباس سلبریتی ها را نمی توان طراحی کرد، المپیک چطور؟

«ما طراحان مد و لباس شاید در رویدادهایی مانند جشنواره های فرهنگی و هنری به دلیل خط قرمزها نتوانیم لباس سلبریتی ها را پوشش دهیم؛ به دلیل اینکه یک بخش از آن به انتخاب خود هنرمندان ما مرتبط باشد و یک بخش دیگر، دیگرانی که آنجا هستند با فرهنگ ما خیلی سنخیت نداشته باشند، ولی جام جهانی و المپیک رویدادهایی جهانی هستند که طراحان مد و لباس ما می توانند اتفاقا کارهایشان را نمایش دهند و عرض اندام کرده و روی آن سرمایه گذاری کنند.»

جملات بالا را یک پژوهشگر مد و لباس و مدرس دانشگاه عنوان می کند.

این روزها همچنان که مسابقات المپیک در حال برگزاری است، طراحی لباس کاروان اعزامی ایران به المپیک در بین طراحان مد و لباس و کارشناسان این عرصه محل بحث و مناقشه است؛ اینکه چرا در رویدادی مهم مثل المپیک نمی توانیم در طراحی لباس ها به نتایج و تصاویر دلخواه برسیم. مگر چند رویداد در طول سال داریم که می تواند ویترینی برای برندها و لباس های ملی ایران باشد. بسیاری از طراحان مد و لباس در کشور، در هر دوره تلاش می کنند در رویدادی همچون المپیک بتوانند فضا و بستری برای بهترین های ایران را در زمینه طراحی لباس فراهم کنند، اما در نهایت خروجی همچنان با انتقادهایی همراه است.

محسن ناصری ـ طراح مد و لباس و مدرس دانشگاه ـ در پاسخ به اینکه چرا در رویدادهای مختلف نمی توانیم ویترین درستی از لباس ها و برندهای ایرانی را در دنیا به نمایش بگذاریم؟ یادآور شد: در المپیک ۲۰۰۸ پکن بود که من هم طرحی را ارائه دادم. آسیب شناسی این قضیه پیچیده و ناراحت کننده است. مهمترین دلیل آن مدیریتی است که متاسفانه در همه ی زمینه ها گریبانگیرمان است.

این کارشناس در عرصه مد و لباس تصریح کرد: با توجه به اینکه طراحان بسیار بسیار خوبی در داخل و خارج از کشور داریم که برند دارند و حرفه ای کار می کنند، متاسفانه اعتماد کردن و سپردن کار به کاردان در کشور ما ضعیف است. من چندین دوره است که طرح نمی دهم چراکه پس از ۲۰ سال فعالیت در این زمینه در نهایت به این نتیجه می رسی که اصلا کار نکنی و از گردونه خارج شوی. سال ۷۹ لباس فارغ التحصیلی دانشگاه هنر را طراحی کردم و هنوز هم همچنان می پوشند و طرح موجود است؛ امثال من هم زیاد هستند.

ناصری با اشاره به اظهار نظر برخی افراد که برای لباس کاروان اعزامی ایران به المپیک توکیو طرح ارائه کرده بودند، گفت: این دوستان مطرح می کردند داوری طرح ها پروسه وبی داشت. چینش این داوری، هم از حوزه صنعت، هم دانشگاهی و همه حوزه ها را دربرمی گرفته است ولی متاسفانه این دوستان هم شوکه شده بوده که چگونه یکدفعه این طرح تایید شد. دوستانی که طرح ارائه داده بودند، مطرح کردند طرحی که برای خانم ها طراحی شده بود از یک مرحله ای به بعد وارد مرحله داوری شده و همه نگاه ها به سمت آن لباس رفته است. از طرفی یکسری لابی گری هایی هم وجود دارد. به نوعی که یکی از دوستان می گفت با او تماس گرفتند و پیشنهاد دادند یکسری طرح روی کارهایت انجام بده ما طرح را در رده های کارهای برتر می بریم.

این مدرس دانشگاه به حرف هایش اضافه کرد: متاسفانه اینگونه نگاه های غیرتخصصی وجود دارد که به کار لطمه می زند. در صورتی که کشور ما در این زمینه بسیار بسیار غنی است، اما می بینید کشوری مثل افغانستان که با آنها اشتراکات فرهنگی هم داریم، چه طراحی زیبایی داشتو حال ما وارد بحث کشورهای توسعه یافته نمی شویم که طرح های خوبی داشتند و برندهای خوبی برایشان کار کرده بودند و البته یکسری کارها هم خوب نبودند. ولی انتظار می رود با توجه به اینکه ایران شاخصه های فرهنگی بسیار بالایی دارد حداقل از این شاخصه ها استفاده بشود.

این پژوهشگر در عرصه مد و لباس سپس گفت: به هر حال المپیک و رویدادهایی اینچنینی جایگاهی است که ما می توانیم نگاه ها را نسبت به ایران تغیر دهیم. با توجه به اینکه این رویداد مخاطب بسیار بالایی در سطح دنیا دارد، اینجا فرصت خوبی است که تاثیرات خوبی بگذارد اما این اتفاق نمی افتد. انقدر طراحی این لباس ضعیف بود که در مرحله ای مطرح کردند از دستور کار خارج شده و اعلام شد کاروان لباس اسپورت دیگری می پوشد اما در افتتاحیه کار را که دیدیم شوکه شدیم. خود این یک دهن کجی است! متاسفانه نگاه غیرتخصصی حاکم است. طراحان را بازی می دهند و این اتفاق بدتری است.

ناصری که از داوران جشنواره ایده های برتر قناوری های نرم و صنایع فرهنگی هم هست، در پایان این گفت وگو خاطرنشان کرد: ما شاید در رویدادهای دیگر مثل رویدادهای فرهنگی به دلیل خط قرمزها نتوانیم لباس های سلبریتی ها را پوشش دهیم؛ به دلیل اینکه یک بخش از آن به انتخاب خود هنرمندان ما مرتبط است و یک بخش دیگر اینکه دیگرانی که آنجا هستند با فرهنگ رسانه ای ما خیلی سنخیت ندارند و ما خیلی دنبال آن نیستیم، ولی جام جهانی و المپیک رویدادی جهانی است که می توانند اتفاقا طراحان لباس ما می توانند هنرشان را نمایش دهند و عرض اندام کنند و روی آن سرمایه گذاری کنند ولی این اتفاق نمی افتد. اغلب داورهای این دوره، از بنیاد مد و لباس بودند. باید از نظرات انجمن طراحان پارچه و لباس که به هر حال متولی هم بحث آموزش است و هم بحث سازماندهی و ارتباطات طراحان در ایران، بیشتر استفاده شود. و همین طور طراحان مستقل که کار می کنند، برندهایی را شکل دادند و موفق هم بودند. حیف است به آنها بها ندهیم. مدام هم می گوییم استقلال، تولید داخلی. دست آخر در این نگاه مدیریتی، کسی تصمیم می گیرد که از فرم، رنگ و نشانه ها چیزی نمی فهمد. همه انسانها از یک سطح زیبایی شناسی برخوردارند، ولی نمی دانم چرا آخر کار، آن طرحی انتخاب می شود که در زمره ضعیف ترین هاست و یا اینکه طرح ها را به سمت ضعیف ترین کار هدایت می کنند. طرح های خوب زیاد بود اما برایمان سوال است که چرا ضعیف ترین چیزی که می توانست، اتفاق بیفتد را می بینیم و این یک نوع دهن کجی است! باید اعتماد کنند و کار را به اهل فن بسپارند و نگاه مدیریتی صرف را بردارند، بازخورد آن را در سطح دنیا ببینند و بعد از آن تصمیم بگیرند که همین رویه را ادامه دهند یا نه به همان رویه قبلی خودشان برگردند.

مصطفی خرامان عنوان کرد

می گویند درباره کافه رفتن ننویسید

این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان درباره مفاهیم بزرگسالانه در ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به شیوه تربیتی کودکان و نوجوانان در دوران گذشته اظهار کرد: معمولا بچه‌ها بعد از طی کردن دوران کودکی در نوجوانی با پدرشان به شکار می‌رفتند و بعدها در دوره کشاورزی با پدرشان به مزارع می‌رفتند، هم کار یاد می‌گرفتند و هم بزرگ می‌شدند. بچه‌ها در معرض حوادثی قرار می‌گرفتند که در دوره زندگی‌شان رواج داشت. در آن دوره خیلی از بزرگ‌ترها روی‌شان نمی‌شد درباره رفتار با دیگران و مسائل دیگری صحبت کنند و فامیل کم‌کم صحبت می‌کردند اما الان دیگر این چیزها نیست. پدرها هشت صبح سر کار می‌روند تا ۱۰ شب و عملا هیچ پدری با فرزندش مراوده‌ای ندارد. این پسربچه از کجا یاد بگیرد مرد شود؟ مدرسه. بچه‌ها از صبح تا ۱۲-۱۳ به مدرسه می‌روند و تمام می‌شود. البته الان که کروناست و به مدرسه هم نمی‌روند. بچه‌ها باید از کجا یاد بگیرند؟ از ادبیات. ادبیات می‌تواند کمک کند تا بچه‌ها نسبت به مسائل آگاه شوند.

او سپس گفت: ادبیات جایی است که می‌شود درباه عشق، بیدادگری و مسائل دیگری که یک نوجوان در آینده با آن‌ها مواجه می‌شود، صحبت کرد. قوش زمانی که بچه‌هایش بزرگ می‌شوند آن‌ها را از خانه بیرون می‌کند یا روباه اول زمستان بچه‌هایش را بیرون می‌کند اما آدم‌ها مستقل شدن بچه‌های‌شان را به عقب می‌اندازند. اگر پسر ۳۰ساله‌ای بیرون از خانه‌اش باشد زمانی که به خانه برگردد، بلافاصله می‌پرسند تا الان کجا بودی؟ الان تنها کانالی که باز است، کانال کتاب است.

خرامان در ادامه درباره شیوه بیان مفاهیم نیز گفت: زمانی که ما نویسندگان می‌خواهیم کتابی بنویسیم به تمام مسائلی که ممکن است نوجوانان با آن‌ها درگیر شوند فکر می‌کنیم. الان مسائل نوجوانان ما مسائل خیلی معمولی است، زندگی بدون فراز و فرود. همه موبایلی دارند و دائم در موبایل سرگرم‌اند و چیزی از زندگی نمی‌فهمند، خرج خانه را پدر و مادر می‌آورند و بچه‌ها شام و ناهاری می‌خورند و همین‌طور امورات می‌گذرد و بعد می‌گوییم چرا جوانان کار نمی‌کنند و یا چرا بلد نیستند کار کنند. خب آن‌ها یاد نگرفته‌اند. چه کسی باید به آن‌ها یاد بدهد؟ بنابراین اگر ما قرار است رمانی برای نوجوان بنویسیم باید کمی از این مسائل را به آن‌ها یاد بدهیم. این را که مرزش کجاست، فرهنگ و رسوم یک کشور تعیین می‌کند. چند وقت پیش یکی از دوستان می‌گفت در کتاب نوجوان از کافه رفتن و این چیزها صحبت نکنید! آیا نوجوانان کافه نمی‌روند؟ می‌روند. اگر می‌روند چرا نباید در کتاب‌های‌مان راجع به آن صحبت کنیم؟ چرا نگوییم اگر کافه رفتی، آداب کافه رفتن این‌طور است؟ زمانی که با یک خانم کافه می‌روی آداب صحبت کردن این‌طوری است. این آداب را چه کسی به بچه‌ها یاد می‌دهد؟ پدرها به پسرها یاد می‌دهند؟ مادرها به دخترها می‌گویند؟ در کتاب‌ها هم نمی‌شود گفت. البته در کتاب‌های ترجمه با وجود این‌که سانسور می‌شود می‌توان رگه‌هایی پیدا کرد.

نویسنده «آرزوی سوم»، «سنگ و شیشه» و «کلاه حصیری» خاطرنشان کرد: کاملا مشخص است که در رمان نوجوان چه مسائلی را باید مطرح کنیم؛ مسائلی که نوجوانان با آن‌ها درگیر می‌شوند. ممکن است در داستان بزرگسال خشونت داشته باشیم اما در داستان نوجوان خشونت نداشته باشیم یا تلطیف شده باشد. نوجوانان کتاب‌های بی‌خطری را که ما درباره نوجوانی می‌نویسیم، نمی‌خوانند و سراغ کتاب بزرگسال می‌روند زیرا آن‌جا دنیا کمی واقعی‌تر است.

او درباره مسئله خشونت برای نوجوانان و اتفاقی که اخیرا برای یک دختر نوجوان رخ داد نیز گفت: این‌ها مسائل مبتلابه جامعه است. بچه‌ها خشونت نمی‌بینند؟ حال ما برای بچه‌ها از گل و بلبل بگوییم؟ نمی‌گوییم گل و بلبل نباشد، خوب است اما خشونت وجود دارد. اگر آن دختری که قمه کشیده، در کتابی خوانده بود که اگر دوستت خیانت کرد، فکر نکن دنیا به آخر رسیده و راه دیگری انتخاب کن مسئله به گونه دیگری حل می‌شد اما چون کسی نگفته فکر کرده دنیا به آخر رسیده و با خود گفته با قمه ماجرا را حل می‌کنم.

خرامان همچنین درباره بیان مفاهیمی چون جهان‌بینی فلسفی، مسائل ایدئولوژیک و نژادپرستی برای نوجوانان اظهار کرد: الان ما در دوره‌ای قرار داریم که همه به اینترنت دسترسی دارند، باز هم از این حرف‌ها بزنیم که بچه‌ها اگر درباره این مسائل بخوانند، یاد می‌گیرند درست نیست. واقعا این‌طور نیست که فکر کنیم با پنهان کردن مسائل و پاستوریزه نگه داشتن بچه‌ها، آن‌ها را حفظ می‌کنیم. درباره مسائل فلسفی نیز ما به عنوان نویسنده باید فلسفه‌ای برای زندگی‌مان داشته باشیم. فلاسفه درباره چه مسائل مهمی صحبت کرده‌اند، باید این‌ها در کتاب‌های ما باشد. عشق چیست؟ آزادی چیست؟ مرز آزادی

کجاست؟ کجا آزادیم و کجا در بند؟ مشکل ما نویسنده‌ها این است که خودمان فلسفه برای زندگی نداریم و بنابراین در کتاب‌های‌مان به بچه‌ها فلسفه یاد نمی‌دهیم.

او با اشاره به یکی از کلاس‌های داستان‌نویسی‌اش برای نوجوانان گفت: ما در کلاس‌ها به نوجوانان دو کتاب تألیفی و ترجمه برای مطالعه می‌دادیم که بعد از خواندن‌شان از نویسنده کتاب دعوت می‌کردیم تا گپ بزنند. می‌توانم بگویم ما در مقابله نویسندگان با نوجوانان شکست خورده‌ایم. نوجوان می‌گوید این چیست که نوشته‌ای؟ چرا این‌طور است؟ چرا آن دختر به پسر چیزی نگفت؟ چرا این پسر فلان کار را نکرد؟ می‌خواهم بگویم نگاه و دیدمان نسبت به نوجوانان کمی اشتباه است. ما با بچه‌های‌مان حرف نمی‌زنیم و بحث نمی‌کنیم و می‌توان گفت اصلا آن‌ها را نمی‌شناسیم و بعد برای همان بچه‌ها کتاب می‌نویسیم. البته نویسنده‌ها هم می‌فهمند اما موانع زیاد است. کسی که به من گفت درباره کافه رفتن ننویسید از کسانی است که قرار است به کتاب‌ها مجوز بدهند. ما در محدوده خیابان ولی‌عصر هستیم و در سه چهار سال گذشته بیش از ۱۰۰ کافه باز شده و در اکثر مواقع دختر و پسرها با هم به کافه می‌روند، در این شرایط می‌گویند اسمی از کافه نبرید زیرا ممکن است بچه‌ها ترغیب شوند تا به کافه بروند. برای گفتن مسائل عشقی و عاطفی، مسائل سیاسی و... موانع بسیاری داریم زیرا فوری کسانی موضع می‌گیرند، ممکن است مشکل پیدا کنید و بگویند از فلان چیز طرفداری کرده‌اید و نویسنده مجبور به خودسانسوری می‌شود. کاری هم نمی‌شود کرد؛ یا مجبوریم کار نوشتن را تعطیل کنیم که کار خوبی نیست و یا کج‌دار و مریز ماجرا را پیش ببریم.

اهالی فرهنگ چه سرنوشتی پس از خروج پیدا می کنند؟

تبعات فرهنگی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا

رایزنی فرهنگی ایران در فرانسه در آخرین گزارش خود درباره تبعات فرهنگی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا نوشته است. این گزارش را در ادامه بخوانید:

خروج انگلستان از اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلف تبعاتی به همراه دارد که یکی از این تبعات مهم مربوط به حوزه فرهنگ است. وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه در مطلبی که در این خصوص بر روی سایت خود منتشر کرده، آورده است که پس از سه ماه مذاکرات پیوسته و فشرده دیپلمات‌های اتحادیه اروپایی موفق شدند با حفظ وحدت خود در ۲۴ دسامبر ۲۰۲۰ به این ماراتن گفت‌وگوها خاتمه داده و بدین ترتیب از ابتدای ژانویه ۲۰۲۱ دوره انتقالی در مناسبات اتحادیه اروپا و انگلیس رسماً به پایان رسید.

در ادامه این گزارش آمده است که در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰ برای ادامه فعالیت‌های تجاری و همکاری‌های سیاسی توافقی بین رئیس کمیسیون اروپا، رئیس شورای اروپا و نخست وزیر انگلیس به امضا رسید که قرار است این توافق در جریان سال میلادی جاری به امضای مجالس کشورهای عضو اتحادیه اروپا و پارلمان انگلیس نیز برسد. با این حال مفاد این توافق از اول ژانویه ۲۰۲۱ عملاً به اجرا در آمده است. بر این اساس، قرار بر این شد که در بسیاری از زمینه‌ها از جمله حوزه فرهنگی توافقنامه مذکور تنظیم کننده مناسبات این اتحادیه با انگلیس باشد.

چگونگی حضور اهالی فرهنگ و هنر انگلستان در بازار فرهنگی اروپا

در بخش دیگری از این گزارش آمده است که در حوزه فرهنگ و هنر وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه تلاش مضاعفی انجام داده تا در توافقنامه مذکور از منافع هنرمندان و فعالان بخش فرهنگ و هنر به ویژه بخش سمعی و بصری دفاع صورت پذیرد. وزارت فرهنگ فرانسه در بخش‌های مختلف فرهنگی از جمله بازار هنر، معماری، مالکیت معنوی در حوزه ادبی و هنری طرح‌های مهمی را مد نظر قرار داده است. در این راستا و به منظور توسعه همکاری‌های فرهنگی و هنری در دوره جدید تمام تلاش خود را به کار گرفته تا طبق مفاد قرارداد یاد شده، انگلستان بتواند در صورت تمایل با رعایت برخی شرایط در برنامه‌های مشترک اروپایی که هزینه‌های آن از محل اعتبارات بخش خلاقیت‌های فرهنگی اروپا تامین می‌شود، شرکت کند. برخی از برنامه‌های بزرگی که با همکاری و مشارکت انگلستان انجام می‌شود شامل طرح‌های خلاقیت‌های فرهنگی است که در زمینه‌های گوناگونی مانند سمعی و بصری، أموال فرهنگی (ویژه مجموعه دارها و فروشندگان آثار هنری)، مالکیت معنوی در حوزه هنری و ادبی، برخی مشاغل وابسته به فرهنگ و تابع ضوابط و مقرارات ویژه (مانند آرشیتکت‌ها) هستند. بر اساس طرح مذکور، آن دسته از فعالان که انگلیسی هستند و در زمینه‌های ذکر شده در فرانسه به کار مشغولند یا فرانسوی هستند و در انگلستان فعالیت دارند، می‌توانند از طریق قالب‌های طراحی شده به تامین حقوق و ادامه فعالیت‌های خود بپردازند.

در همین ارتباط شبکه رادیویی فرانس انفو نیز در گزارشی اشاره کرده که اگر چه شیوع ویروس کووید ۱۹ خسارات زیادی به ویژه به بخش فرهنگ در فرانسه وارد ساخته است اما برای هزاران موسیقیدان، نوازنده، هنرمند یا دیگر شاغلین مرتبط با حوزه فرهنگی در فرانسه، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا به مثابه تیر خلاص برای آنها بوده است. با وجود توافقنامه بین انگلستان و اتحادیه اروپا که از اول ژانویه سال ۲۰۲۱ میلادی به اجرا درآمده، اما بسیاری از انگلیسی‌های فعال در حوزه فرهنگی در فرانسه برای ادامه کار در این کشور ملزم به اخذ ویزا هستند و همین امر می‌تواند بسیاری از برنامه‌ها به ویژه اجرای موسیقی، نمایش‌ها و غیره را مختل سازد و هزینه‌های اضافی به برگزار کنندگان تحمیل سازد. از طرفی دیگر هنرمندان فرانسوی و سایر کشورهای اروپایی که می‌خواهند در انگلستان فعالیت کنند، با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند.

به همین دلیل اخیراً طی طوماری به امضای ۲۰۰ هزار نفر از هنرمندان انگلیسی که در روزنامه گاردین منتشر شد، از دولت این کشور خواسته‌اند در وضعیت فعالان صنایع فرهنگی و هنری بازنگری صورت گیرد. فرانس انفو در گزارش جداگانه دیگری با اشاره به برخی تغییرات در موافقتنامه مذکورآورده است که قرار بر این شد که سفر هنرمندان و اصحاب فرهنگ فرانسوی و انگلیسی بین دو کشور تا اول اکتبر ۲۰۲۱ مانند قبل با ارائه کارت شناسایی صورت پذیرد. بعد از این تاریخ افراد ملزم به ارائه گذرنامه و انجام تشریفات قانونی سفر هستند. البته اتباع اتحادیه اروپایی برای سفرهای توریستی، کاری، همایشی یا کارگاه‌های آموزشی کوتاه مدت از اخذ ویزا برای انگلیس معاف خواهند بود اما برای سفرهای بالای شش ماه اخذ ویزا الزامی است.

آن دسته از هنرمندان یا حتی اتباع انگلیسی یا دانشجویانی که تا قبل از اول ژانویه ۲۰۲۱ در فرانسه مستقر بودند و در نظر دارند تا پایان ژوئیه سال میلادی جاری در این کشور بمانند فرصت خواهند داشت تا نسبت به اخذ کارت اقامت اقدام کنند. با این کارت اقامت فرانسوی آنها خواهند توانست در سایر کشورهای عضو شنگن به مدت حداکثر سه ماه اقامت کنند.

دانشجویان فرانسوی که قصد ادامه تحصیل در انگلیس را دارند ملزم به اخذ ویزای دانشجویی و اثبات توان مالی به میزان ۳۵۰ لیر در ماه و پرداخت ۵۰۰ لیر در سال برای هزینه بیمه درمانی هستند. ورزشکاران و هنرمندان فرانسوی که بابت کار قرار است بالای سه ماه در انگلیس حضور داشته باشند ویزای خاصی موسوم به Tier ۵ باید اخذ کنند.

اخبار

دبیر دومین دوره جایزه شهید اندرزگو:

ننوشتن از انقلاب باعث شد برخی وقایع را به نام پهلوی جا بزنند

به نقل از دبیرخانه جایزه شهید اندرزگو، محسن پرویز دبیر دومین دوره جایزه شهید اندرزگو گفت: انقلاب اسلامی بستری برای هنرمندان است. یکی از رخدادهای بسیار بزرگ در کشور ما، انقلاب اسلامی بود که بنا بر دلایلی به قدر کفایت در ادبیات داستانی و بخش‌های مستندنگاری تاریخ، به آن پرداخته نشد. معمولاً رخدادهای بزرگ اجتماعی بستری فراهم می‌کنند برای نویسندگان و شعرا که به آن مسائل بپردازند و بتوانند آفرینش هنری انجام دهند.

وی درباره علل کاهش تولیدات مرتبط با انقلاب در بین آثار نویسندگان گفت: شاید به دلیل نزدیکی دفاع مقدس و ظهور انقلاب و تأثیر هیجانی و بزرگی که صحنه‌های دفاع مقدس بر نویسندگان و شاعران گذاشت، خواسته یا ناخواسته نویسندگان و شاعران ما جذب این حماسه‌آفرینی‌ها شدند و تلاششان معطوف به ثبت و ضبط وقایع و رخدادهایی شد که در دفاع مقدس اتفاق می‌افتاد و نتیجه این شد که از ثبت و ضبط وقایع انقلاب غافل شویم. شاید حدوداً پانزده سال پیش، مرحوم امیرحسین فردی، از نویسندگان خوب، متوجه این نقیصه شد و جشنواره داستان انقلاب به همت ایشان راه‌اندازی شد. این امر فتح بابی برای تولیدات مرتبط با انقلاب اسلامی شد.

دبیر علمی جایزه ادبی شهید اندرزگو در ادامه به تلاش همه‌جانبه دشمن برای تطهیر چهره خاندان پهلوی اشاره کرد و گفت: ما مواجه شده‌ایم با خیل عظیم شبهاتی که ضدانقلابیون تدارک می‌بینند و جوانانی را که وقایع پیش از انقلاب را ندیده‌اند، بمباران تبلیغاتی می‌کنند تا مطالب خلاف و خطا را به آن‌ها القا کنند. ما تاریخ انقلاب را کم نوشتیم یا ننوشتیم و نتیجه این شد که بعضی‌ها بیایند و وقایعی را که درست است، به عنوان حکومت پهلوی جا بزنند و کسانی که آن روزها را ندیدند، این حرف‌ها را باور کنند. همان‌چیزی که همین امروز نمود آن را در فضای مجازی می‌بینیم.پرویز گفت: خیلی وقت‌ها شاهد این هستیم که تصویری از بهترین نقطه شهر تهران مربوط به سال‌های پیش از انقلاب را در کنار بدترین نقطه در شهر تهران فعلی می‌گذارند و به خورد مخاطب می‌دهند و می‌گویند تهران این‌طور بود و این‌طور شد. در حالی که کسانی که آن روزها را دیده‌اند، می‌دانند و به چشم خودشان دیده‌اند که پیش از انقلاب، مناطق محدودی از شهر تهران جزو مناطق برخوردار بودند و شهرداری به آن‌ها رسیدگی می‌کرد و مناطق زیادی از شهر مورد بی‌توجهی قرار گرفته بودند. وقتی این‌ها به تصویر کشیده نمی‌شود، از آن طرف کسانی هستند که پول خرج کنند و انقلاب و شرایط را تحریف کرده و پهلوی را تطهیر کنند. طبیعتاً فضا برای افراد باز می‌شود و با هزینه‌کردن، اتفاقاتی از این قسم را پیگیری می‌کنند. با توجه به کم‌کاری که در نمایش انقلاب و کسانی که در انقلاب فداکاری کردند، زمینه‌ها و دلایل بروز انقلاب و مسائلی از این دست صورت گرفته بود، تصمیم بر این شد که مشوق جدیدی ایجاد کنیم برای پرداختن به واقعه مهم انقلاب و در نتیجه به جایزه شهید اندرزگو منجر شد.

وی افزود: این جایزه در سه بخش «داستان و شعر کودک و رمان نوجوان»، «داستان بلند و رمان بزرگسال» و «روایت تاریخ» برگزار می‌شود. در این دوره ۳۱۵ عنوان کتاب به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که از میان این‌ها ۱۳۷ عنوان در حوزه روایت و تاریخ شفاهی، ۷۶ عنوان در حوزه داستان کودک و نوجوان، ۹۳ عنوان در حوزه داستان بزرگسال و ۹ عنوان هم به حوزه شعر اختصاص داشته است. در این بین، دبیرخانه دائمی جایزه بعد از پالایش تمامی آثار و حذف آن دسته از آثاری که متناسب با رویکرد و موضوع جایزه نبوده است، در نهایت ۵۵ عنوان کتاب را در حوزه داستان بزرگسال، ۸۶ عنوان در حوزه تاریخ شفاهی، ۹ عنوان در حوزه شعر و ۲۲ عنوان کتاب هم در حوزه کودک و نوجوان برای بررسی به گروه‌های داوری ارجاع داده است.دبیر جایزه اندرزگو در پایان، گفت: داوران اسامی آثار منتخب هر بخش را به دبیرخانه اعلام کرده‌اند. فرایند داوری از زمانی که آثار به دبیرخانه رسید، شروع شد و کتاب‌ها در اختیار داوران قرار گرفت. در حوزه داستان و رمان بزرگسال پنج اثر، در حوزه داستان کودک و نوجوان پنج اثر و در حوزه تاریخ شفاهی و روایت تاریخی سه اثر و در مجموع، سیزده اثر به دبیرخانه معرفی شد. در واقع این سیزده اثر، برندگان این دوره از جایزه شهید اندرزگو هستند و از تمامی آثار تقدیر خواهد شد. اما در مرحله آخر داوری، این آثار در اختیار بیش از بیست نفر از نخبگان حوزه کتاب و ادبیات و رسانه قرار می‌گیرد و این هیئت نخبگانی با مطالعه آثار منتخب هیئت‌های داوری و رأی‌دهی به آنها، برگزیدگان جایزه ویژه اندرزگو را انتخاب می‌کنند. ثار و رای دهی به را در مراسم اختتامیه که در هفته اول شهریورماه، همزمان با سالگرد شهادت شهید اندرزگو برگزار می‌شود، اسامی منتخبان آرای نخبگانی اعلام می‌شود.

توسط نشر افق؛

ترجمه رمان باربارا دی درباره سرطان دختر نوجوان چاپ شد

رمان نوجوان «کمی تا قسمتی معمولی» نوشته باربارا دی به‌تازگی با ترجمه محبوبه نجف‌خانی توسط نشر افق منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب دویست و سی و پجمین عنوان «رمان نوجوان» است که این‌ناشر چاپ می‌کند.

باربارا دی نویسنده این‌کتاب دارای مدرک کارشناسی رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه ییل و دانشجوی نیمه‌کاره رشته حقوق از دانشگاه شیکاگو است. او تحصیل در رشته حقوق را رها و ازدواج کرد. از وقتی هم فرزندش به سن مدرسه رسید، نوشتن داستان برای نوجوانان را شروع کرد. او ۱۱ کتاب برای نوجوانان در کارنامه دارد و جوایزی را هم به‌خاطرشان به دست آورده است. او با همسر و سه‌فرزندش در نیویورک زندگی می‌کند.

کتاب «کمی تا قسمتی معمولی»، در سال ۲۰۱۷، منتخب فهرست کتاب با موضوع رضایت از مدرسه و تاب‌آوری سال‌های اول دبیرستان، بخش نوجوان انجمن کتابخانه‌های ملی آمریکا شد. در سال ۲۰۱۸ هم کتاب منتخب بسته‌های کتاب‌های ارسالی شرکت اتحادیه کتابخانه‌های کودکان (JLG)، منتخب فهرست کتاب‌های انجمن بین‌المللی سوادآموزان نوجوان، کتاب منتخب فهرست کتاب‌های برجسته مطالعات اجتماعی برای نوجوانان (NSCC) با همکاری مشترک شورای ملی مطالعات اجتماعی و شورای کتاب کودک آمریکا (CBC) شده است. همچنین در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ منتخب فهرست جایزه کتاب‌های خواندنی مقطع دوره اول دبیرستان به انتخاب دانش‌آموزان کی‌استون پنسیلوانیا و نامزد جایزه دوروتی کنفلید فیشر (منتخب دانش‌آموزان ایالت ورمونت) شد.

در داستان این‌رمان، دختر نوجوانی به‌نام نورا لِوی، پس از دو سال مبارزه با بیماری سرطان خون، آماده برگشتن به زندگی معمولی و دبیرستان است. اما همکلاسی‌ها با او رفتاری متفاوت دارند و طوری با او روبرو می‌شوند که گویی قرار است هرلحظه اتفاقی برایش بیافتد.

در ادامه ماجرا، پسری به‌نام گریفین به مدرسه می‌آید و نورا با او آشنا می‌شود. گریفین هم مثل نورا عاشق نقاشی و اسطوره‌های یونان باستان است. نورا می‌خواهد مساله بیماری‌اش را از گریفین مخفی کند اما در مدرسه اتفاقاتی می‌افتد که دیگر نمی‌تواند این‌موضوع را پنهان نگه دارد...

جمله مهمی که داستان این‌کتاب را به‌صورت خلاصه بیان می‌کند، از این‌قرار است: «هیچ‌اشکالی ندارد بگویی نمی‌خواهم درباره‌اش حرف بزنم!»

در قسمتی از این‌رمان می‌خوانیم: هریسون پرسید: «ایزدان کفش می‌پوشیدند؟» کایلی گفت: «کاملا مطمئنم که صندل می‌پوشیدند. می‌دانید از آن صندل‌های بنددار که دور ساق پا می‌بندند.»خانم فرل جمله‌اش را اصلاح کرد: «کفش در اینجا استعاره است. یعنی خودتان را به جای آن‌ها بگذارید. و از زاویه دید آن‌شخصیت، یک سخنرانی پنج‌دقیقه‌ای آماده کنید. احساس آن‌شخصیت را حس کنید؛ و افکار و احساسات او را به صورت راوی اول شخص بیان کنید. کمک کنید تا ما رفتار شخصیت انتخابی‌تان را درک کنیم، حتی اگر سخت باشد. به‌خصوص اگر سخت باشد. خلاقیت داشته باشید. لباس نمایش بپوشید و از اسباب و اثاثیه صحنه استفاده کنید. بله، مَلیک؟»«می‌شود از جلوه‌های ویژه استفاده کنیم؟ مثلا اگر شخصیت زئوس را انتخاب می‌کنیم، می‌شود رعدوبرق داشته باشیم؟» کایلی با خنده گفت: «ملیک، تو که خیال نداری با برق همه‌مان را بکشی، درسته؟»

این‌کتاب با ۳۰۴ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۵۵ هزار تومان منتشر شده است.

توسط نشر پیدایش؛

کتاب جدید محمدکاظم اخوان برای نوجوانان چاپ شد

رمان نوجوان «کلاس مخفی» نوشته محمدکاظم اخوان به‌تازگی توسط انتشارات پیدایش منتشر و راهی بازار نشر شده است. محمدکاظم اخوان، داستان‌نویس متولد سال ۱۳۳۹ است و یکی از آثار شناخته‌شده‌اش هم مجموعه‌داستان‌های «زی‌زی گولو» است. از آثار جدید این‌نویسنده سال گذشته رمان طنز «سبیل سرگردان» توسط نشر پیدایش و ماه گذشته رمان «شبحی با کلاه سیلندر» توسط انتشارات سروش منتشر شده‌اند.داستان «کلاس مخفی» درباره دو نوجوان با نام‌های فرشاد و بهروز است که اولی نابغه ادبیات و دومی نابغه ریاضی است. فرشاد داستان‌هایی را که نوشته در مدرسه می‌خواند و همکلاسی‌ها هم از این‌داستان استقبال می‌کنند. اما در خانه‌شان وضعیت به‌عکس است و پدر و مادرش برایش آینده دیگری را در نظر دارند؛ نه نویسنده‌شدن. در ادامه قصه برای فرشاد و طرفداران داستان‌هایش مشکلاتی در مدرسه پیش می‌آید.با به وجود آمدن مشکلات برای فرشاد، بهروز که بهترین دوستش است، تصمیم می‌گیرد به او کمک کند. به‌همین‌دلیل در یکی از دیوارهای مدرسه، یک‌سالن دیجیتال می‌سازد تا فرشاد در آن، برای طرفدارانش قصه را بخواند. اما باز هم مشکلاتی رخ می‌دهند که عجیب و غریب‌اند و بچه‌های مدرسه و خانواده‌ها را به دردسر می‌اندازند...عناوین بخش‌های مختلف داستان «کلاس مخفی» به این‌ترتیب است: یک‌سه‌شنبه دیگر، مهره گمشده، پر کاه، سایه نبوغ، نه شعری نه حرف شاعرانه‌ای، جای امن، راه دراز و پر پیچ و خم زندگی، ضد قهرمان‌های دوست‌داشتنی، سرایدار خواب قیلوله، سکوت مرگ، شعله‌های خشم، او، کلاف سردرگم، نیروی خیال، دُم‌های به هم بسته، پنج عصر، پشت دیوار شیشه‌ای، اشباح سرگردان، چهارگاه، ربات هنرمند، مشت‌ها و موج‌ها، افتضاح بزرگ، قرمز و سیاه، خیمه‌شب‌بازی، آسیب‌شناسی.در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

دل‌افروز روی تخته سفیدی که به دیوار اتاق بود مسئله ریاضی حل می‌کرد و خانم خوش دیوان بزرگ اشعاری را در دست گرفته بود و همچنان که آن را ورق می‌زد و از هر صفحه‌اش بیت‌هایی را می‌خواند زیر چشمی گاهی نگاهی هم به او می‌انداخت و با رضایت لبخند می‌زد!

ساعتی بعد، هنگامی که دل‌افروز در حال پاک‌کردن تخته بود ساعت، پنج بار نواخت. با نوازش پنجم، خانم خوش سراسیمه دیوان را پایین آورد. ته مانده لبخند رضایتی را که گوشه لب‌هایش ماسیده بود با پشت دست پاک کرد و با صدای